## 147652 ـ آیا مرد هنگام ورود به خانهٔ خود باید اجازه بگیرد؟!

### سوال

آیا وارد شدن به منزل بدون اجازه (بدون در زدن) جایز است، حتی اگر فرد از اهل خانه باشد؟ لطفاً با دلیل از قرآن یا سنت پاسخ دهید.

### پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولاً:

الله عزوجل می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ [النور: ۲۷] (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست وارد نشوید تا آنکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید؛ این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید).

خداوند به مؤمنان دستور داده که وارد خانه‌هایی جز خانهٔ خود نشوند مگر آنکه پیش از ورود اجازه بگیرند. سنت در اجازه گرفتن این است که پیش از ورود، اجازه بگیرد و سلام کند.

در حدیثی از رِبعی بن حِراش آمده است که مردی از قبیلهٔ بنی‌عامر برای ورود بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ که در خانه‌ای بودند اجازه خواست و گفت: «آیا وارد شوم؟» (بدون سلام). پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به خدمتکارشان فرمودند: «نزد این مرد برو و اجازه گرفتن را به او بیاموز و بگو که بگوید: السلام علیکم، آیا وارد شوم؟» آن مرد شنید و گفت: «السلام علیکم، آیا وارد شوم؟» پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به او اجازه دادند و وارد شد. (ابوداود: ۵۱۷۷؛ آلبانی در صحیح ابی‌داود آن را صحیح دانسته است) عظیم‌آبادی در «عون المعبود» می‌گوید: «در این حدیث آمده است که سنت این است که هم سلام بگوید و هم اجازه بخواهد و سلام مقدم داشته شود».

ثانیاً:

مفهوم آیهٔ شریفه این است که مرد می‌تواند وارد خانهٔ خودش شود، حتی اگر اجازه نگیرد. ابن جُزَیّ رحمه الله می‌گوید: «این آیه دستور به اجازه گرفتن برای ورود به غیر از خانهٔ خودِ شخص است، بنابراین شامل خانه‌های خویشاوندان و دیگران می‌شود». (التسهیل: ص ۱۲۳۰).

اما این جوازِ مطلق (بدون اجازه) مشروط به حالتی است که در خانه کسی جز همسر یا مِلک یمین او نباشد؛ زیرا شوهر می‌تواند به تمام بدن همسرش نگاه کند. فلسفهٔ اجازه گرفتن، کنترل نگاه است تا مبادا چشم انسان به چیزی بیفتد که آن را نمی‌پسندد یا به عورت و نامحرمی بیفتد که نگاه به آن جایز نیست.

بخاری (۶۲۴۱) و مسلم (۲۱۵۶) از سهل بن سعد رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «همانا اجازه گرفتن (استیذان) تنها به خاطرِ نگاه کردن قرار داده شده است».

حافظ ابن حجر رحمه الله می‌گوید: «از این حدیث استدلال شده که مرد برای ورود به منزلِ خودش نیازی به اجازه گرفتن ندارد، زیرا علتی که اجازه گرفتن به خاطر آن تشریع شده (یعنی حفظ نگاه از نامحرم) در اینجا وجود ندارد. بله، اگر احتمال رود که وضعیت جدیدی پیش آمده که نیاز به اجازه باشد (مثلاً مهمان نامحرم آمده باشد)، در آن صورت مشروع است».

ثالثاً:

از کمال ادب و خوش‌رفتاری این است که مرد حتی برای ورود بر همسرش نیز اجازه بگیرد (یا لااقل با سر و صدا وارد شود)؛ مبادا او را در حالتی نامرتب یا با لباسِ کار ببیند که همسرش دوست ندارد شوهرش او را آن‌گونه ببیند. به همین دلیل بسیاری از سلف (گذشتگان) مستحب می‌دانستند که مرد هنگام ورود بر خانواده‌اش در خانهٔ خود نیز اعلام ورود کند.

ابن جریج می‌گوید: به عطاء گفتم: آیا مرد برای ورود بر زنش اجازه می‌گیرد؟ گفت: نه (یعنی واجب نیست).

ابن کثیر رحمه الله می‌گوید: «این سخن حمل بر عدمِ وجوب می‌شود؛ وگرنه شایسته‌تر است که او را از ورودش آگاه کند و غافلگیرش ننماید، زیرا احتمال دارد زن در وضعیتی باشد که دوست ندارد شوهرش او را آن‌گونه ببیند. از زینب همسر ابن مسعود رضی الله عنها روایت است که گفت: عبدالله هرگاه از کاری برمی‌گشت و به در می‌رسید، گلو صاف می‌کرد... زیرا خوش نداشت که ناگهان بر ما وارد شود و چیزی ببیند که آن را نمی‌پسندد. (سند آن صحیح است) و از امام احمد رحمه الله نقل شده که گفت: هرگاه مرد وارد خانه‌اش می‌شود، مستحب است که سرفه کند یا کفش‌هایش را به صدا درآورد. به همین دلیل در صحیح از رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ آمده است که ایشان نهی کردند از اینکه مرد ناگهانی بر خانواده‌اش وارد شود» و در روایتی دیگر: «شبانه [و ناگهانی] تا مبادا کارش [مانند] مچ‌گیری و [بد دلی و] جستن خیانت باشد». (تفسیر ابن کثیر: ۶/۳۹ـ ۴۰)

رابعاً:

اگر در خانهٔ او کسی از محارمش غیر از همسرش حضور دارد (مانند مادر، دختر بالغ یا خواهر)، قول صحیح این است که واجب است پیش از ورود بر آنان اجازه بگیرد.

حافظ ابن حجر رحمه الله می‌گوید:

«از این احادیث برمی‌آید که اجازه گرفتن برای ورود بر هر کسی، حتی محارم، مشروع است؛ مبادا عورتشان آشکار باشد. بخاری در الأدب المفرد (که آلبانی آن را صحیح دانسته) از نافع روایت کرده است که: «ابن عمر هرگاه فرزندانش به سن بلوغ می‌رسیدند، جز با اجازه بر آنان وارد نمی‌شد». و همچنین مردی نزد ابن مسعود آمد و گفت: آیا برای ورود بر مادرم اجازه بگیرم؟ گفت: «آیا دوست داری او را در همهٔ حالاتش ببینی؟» (یعنی نه). و مردی از حذیفه پرسید: آیا برای ورود بر مادرم اجازه بگیرم؟ گفت: «اگر اجازه نگیری، چیزی خواهی دید که خوشت نمی‌آید». و موسی بن طلحه می‌گوید: «با پدرم بر مادرم وارد شدیم، او وارد شد و من پشت سرش رفتم؛ پس به سینهٔ من زد و گفت: بی اجازه وارد می‌شوی؟!» و عطاء می‌گوید: «از ابن عباس پرسیدم: آیا برای ورود بر خواهرم اجازه بگیرم؟ گفت: بله. گفتم: او در دامان من بزرگ شده (تحت سرپرستی من است). گفت: آیا دوست داری او را عریان ببینی؟» تمام اسنادِ این آثار صحیح است».

شیخ محمد امین شنقیطی رحمه الله می‌گوید:

«بدان که قولِ آشکارتر که نباید از آن عدول کرد این است که بر مرد لازم است برای ورود بر مادر، خواهر و دختران و پسران بالغش اجازه بگیرد؛ زیرا اگر بدون اجازه وارد شود، ممکن است چشمش به عورت آنان بیفتد و این برایش حلال نیست...».

شیخ امین رحمه الله مطالبِ پیش‌گفته از حافظ ابن حجر را نقل کرده و سپس می‌گوید:

«این آثار (روایات) که از این صحابه نقل شد، تأییدکنندهٔ آن چیزی است که ما دربارهٔ لزوم اجازه گرفتن برای ورود بر کسانی که نام بردیم (محارم)، ذکر کردیم. و از حدیث صحیحِ «همانا اجازه گرفتن تنها به خاطرِ نگاه کردن قرار داده شده است» نیز همین برداشت می‌شود؛ زیرا افتادن نگاه به عورت کسانی که ذکر شد، حلال نیست؛ چنانکه می‌بینی...».

سپس او ـ همچنین ـ سخنانی از ابن کثیر را در تأیید آنچه گفته بود نقل کرد که بخشی از آن پیش‌تر ذکر شد. (ببینید: أضواء البیان: ۵/۵۰۰ـ۵۰۲)

والله اعلم.